

بررسی مقایسه‌ای ادبیات پایداری دهه اول انقلاب اسلامی با دوران پس از دفاع مقدس

سمیره همتی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

چکیده: ادبیات پایداری یکی از مهم‌ترین مفاهیم ادبیات فارسی است که موضوع اصلی آن، مقاومت، ظلم‌ستیزی، جنگ، اختناق و... است. هدف مقاله توصیفی-تحلیلی حاضر بررسی مقایسه‌ای ادبیات پایداری دهه اول انقلاب اسلامی با دوران پس از دفاع مقدس است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده می‌توان ادعان کرد که با وجود تاریخچه، اهمیت و اثرگذاری ادبیات پایداری در ایران بازم چالش‌هایی همچون بحران مخاطب، ضعف مبانی نظری و نظریه‌پردازی و... وجود دارد اما این چالش‌ها باعث نشده است ادبیات پایداری به فراموشی سپرده شود. در دهه اول انقلاب اسلامی ادبیات پایداری ابعاد ظلم‌ستیزی حکومت طاغوت و مقاومت مردم در مقابل این حکومت در بر گرفته و در دوران پس از دفاع مقدس ادبیات پایداری ابعادی همچون جنگ، شهادت، مقاومت و... مردم ایران در جنگ تحمیلی با عراق را در بر گرفته است که در عصر حاضر نیز بعد از گذشت بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران این نوع از ادبیات، جایگاه مناسبی را در میان مخاطبان خاص خود دارد.

واژگان اصلی: ادبیات پایداری، مقاومت، دهه اول، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس

مقدمه

ادبیات پایداری در ادبیات ما سابقه‌ای طولانی و پر بار دارد. اگر به ادبیات کهن نگاهی بیفکنیم، کمتر نثر و یا سروده‌ای یافت می‌شود، که خالی از ادبیات پایداری باشد (داوودی‌مقدم و اشرفی، ۱۳۹۶: ۲). تعریف ادبیات پایداری در ایران، دستخوش تحولاتی شده و گستره آن تغییراتی پذیرفته است. در نخستین تعریف‌ها، ادبیات پایداری، مجموعه آثاری ادبی، معرفی شده که حول محور دفاع مقدس در دوره جنگ و پس از آن شکل گرفته است. اما توجه به اینکه بن‌مایه‌ها و ریشه‌های این آثار از ادبیات کهن مایه گرفته است، لازم است تعریفی از ادبیات پایداری به دست داد که هم آثار معاصر را در بر گیرد و هم آثار کهن را؛ چرا که ایران کشوری است با پیشینه جنگ‌های متعدد و گاه طولانی و دارای پیشینه ادبی و هنری کهن؛ بنابراین، بسترهای پیدایش ادب پایداری در ایران وجود داشته است (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۶۳). از این رو ادبیات پایداری، شامل سروده‌ها و نوشته‌هایی است که موضوع اصلی آن‌ها دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران می‌باشد. این ادبیات با توجه به فراز و فرود تاریخ ایران، در ادبیات ما سابقه‌ای طولانی دارد. اصلی‌ترین موضوعات ادبیات پایداری شامل: دعوت به مبارزه و تحمل سختی‌ها و مشکلات آن، ایستادگی در برابر ستمگران، راضی بودن به رضای خداوند، حق‌طلبی، انزجار از دشمنان، بیان بیدادگری‌ها و تصویر چهره بیدادگران، ستایش آزادی و آزادگی، نشان دادن افق روشن پیروزی که ره‌آورد تلاش و وحدت و همدلی و مبارزه مستمر است و همچنین ترسیم مظلومیت مردم، بزرگداشت و ستایش مردم مبارز و شهدای راه آزادی، وطن‌دوستی و دفاع از آن و بازتاب سلحشوری، پایداری و تحرک دلاورانه جوانان معاصر ایرانی در حفاظت از مرز و بوم سرزمین نیاکان خویش است که در این راستا با باورهای اسلامی و عقاید استوار شیعی آنان همراه گشته است (رستگارفسایی، ۱۳۸۰: ۳۹۰). جریان ادبیات پایداری (در شکل ادبیات انقلاب اسلامی و به‌ویژه ادبیات دفاع مقدس) طی چهار دهه اخیر، چه در عرصه شعر و چه در زمینه نثر جریان فراگیر و غالب ادبیات در ایران بوده است. دو واقعه تاریخی مهم با گستره و عمق تأثیر بی‌مانندی که در لایه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران داشت؛ شاعران و نویسندگان و هنرمندان را، هم از آن روی که خود از آحاد این ملت و مستقیماً درگیر این مسایل بودند و هم از آن جهت که این موضوعات مورد توجه مردم ایران بود، به واکنش در برابر این پدیده‌های مهم بر می‌انگیخت (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۲).

ادبیات مظلوم و مشور انقلاب اسلامی در مدتی کوتاه با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ ش به

شعر و داستان دفاع مقدس تبدیل شد؛ ادبیات پایداری ایران در کسوتی جدید به حیات خود ادامه داد. دوران طولانی دفاع مقدس با انعکاس فضیلت‌های انسانی در گفتار و رفتار و اندیشه‌ی رزمندگان همراه است. فضیلت‌هایی که با تکیه بر پشتوانه‌های فرهنگ ملی و دینی در قالب نوع‌دوستی، میهن‌خواهی، شهادت‌طلبی، ایثارگری، ستم‌ستیزی و سلوک عرفانی تجلی می‌یابد و طی هشت سال استقامت (در مفهوم قرآنی کلمه) در برابر مصائب و شداید جنگ؛ نظیر ویرانی، آوارگی، اسارت، جانبازی، شهادت و تبعات آن، آثار و ارزش‌هایی را به یادگار می‌گذارد که پاسداری از این میراث گران‌قدر تا پایان تاریخ رسالت ابدی شاعران و نویسندگان متعهد خواهد بود و به انجام رساندن آن، چراغ ادبیات مقاومت را در این سرزمین همواره روشن نگه داشته است (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۶-۷). در همین راستا در دهه اول و دوم انقلاب اسلامی شاعران بسیاری دست به قلم شده و اشعار حماسی و پایداری در مقابل ظلم و ستم سروده‌اند. در این دو دهه بیشتر شکل ادبیات پایداری به صورت شعر بوده و در اواخر دهه دوم ادبیات پایداری نیز به صورت نثر درآمده است. با توجه به اهمیت این دو دهه در خصوص ادبیات پایداری در این جستار به بررسی مقایسه‌ای ادبیات پایداری در دهه‌های اول انقلاب اسلامی با دوران پس از دفاع مقدس می‌پردازیم.

ادبیات پایداری

ادبیات پایداری همچون گونه‌های دیگر ادبی در کشور ما سابقه‌ای طولانی و ارزشمند دارد و همواره با هدف روشنگری در بین انواع ادبی می‌درخشد. «ادبیات پایداری به آثاری اطلاق می‌شود که تحت شرایطی چون؛ احتناق، استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سروده‌های ملی و میهنی شکل گیرد. بنابراین، جان مایه این آثار مبارزه با بیداد درونی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵).

ادبیات پایداری، ادبیات ستیزندگی و عشق است. ادبیات توفنده و پر تلاطمی که آلودگی به یأس و سکون را نمی‌پذیرد و بسان روح، پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود. در واقع این گونه ادبی، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر،

همواره به مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیاء، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است (بصیری، ۱۳۸۷: ۹۱).

تاریخچه ادبیات پایداری در ایران

اگرچه شعر فارسی هیچگاه - حتی پیش از ورود اسلام به ایران از عنصر اعتراض خالی نبوده و شاعران ایرانی در همه دوران‌ها به صراحت یا به اشارت، نقد قدرت را و جهت همت خویش ساخته‌اند با صرف نظر از فردوسی و ناصر خسرو، تا دوره بیداری و مشروطه‌خواهی، شاعری که اطلاق «شاعر مقاومت» بر او صحیح باشد در قلمرو زبان فارسی ظهور نکرده است. بیداری ایرانیان و قیام عمومی بر ضد سلطنت مطلقه و دخالت اجانب، زاینده عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فکری و همچنین زنجیره‌ای از علل و عوامل شتاب دهنده موضعی و مقطعی بود که سرانجام در دوره مظفرالدین شاه به اوج خود رسید و در قالب نهضت مشروطه‌خواهی تجلی یافت. مشروطه ایرانی با آنکه به لحاظ تئوریک ابتر و عقیم بود منشأ بسیاری از تحولات در همه شئون حیات از جمله شعر و ادبیات گردید. ورود مفاهیم سیاسی - اجتماعی مدرن؛ نظیر وطن (در معنای امروزی)، قانون، آزادی، مجلس و ... موجب دگرگونی عمیقی در مضامین و به تبع آن تطور شئون حیات فردی و اجتماعی ایرانیان و نهایتاً تغییر قالب شعر فارسی گردید. مقارن همین ایام نخستین داستان‌های مدرن فارسی نیز به نگارش در آمد. مبارزه با استبداد، وطن‌خواهی، استعمارستیزی، عدالت‌طلبی و ... در اشکال گوناگون آن در شعر شاعران مشروطه‌خواه، از ادیب‌الممالک فراهانی تا فرّخی و عشقی و عارف و نسیم و لاهوتی و ... بازتاب یافت. زندگی و شعر شاعران این دوران مشحون از جلوه‌های بدیع مقاومت و پایداری است و ترور و تبعید و حبس و حصر تقدیر مشترک ایشان. به هر روی ادبیات جنبش مشروطه‌خواهی، سرچشمه تمامی جریان‌های ادب پایداری در ادوار بعد به حساب می‌آید و ریشه‌های ادبیات مقاومت اسلامی، ناسیونالیستی و مارکسیستی را در دوره پهلوی اول و دوم، باید در ادبیات مشروطیت جستجو کرد. در واقع میراث ادبی شاعرانی همچون ادیب پیشاوری، نسیم شمال، ملک‌الشعرا بهار و ... با گرایش میهن‌دوستانه که گاه به جهان وطنی اسلامی می‌گراید. بعدها دوران پهلوی و پس از انقلاب اسلامی تا امروز به طیفی از نویسندگان و شاعران می‌رسد که در آثار خود به ستمی که بر جهان اسلام از لبنان و فلسطین تا افغانستان و بالکان و از عراق و شام و ایران تا یمن و بحرین و نیجریه می‌رود توجه می‌کنند، تنها با این تفاوت که در اشعار شاعران پیشین آرمان اصلی، اتحاد جهان اسلام و برادری شیعه و سنی است که این آرمان رفته رفته کم‌رنگ شده جای خود را به

نوعی منازعه بین‌المذاهبی می‌دهد (آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۶۴).

ادبیات پایداری در مفهوم عام و خاص

مفهوم عام ادبیات پایداری، متعلق «نفی» و «اعتراض» انحرافات است که شاعر در جامعه و محیط خود مشاهده می‌کند. این انحرافات می‌توانند زمینه‌های مختلفی داشته باشند که در یک چشم‌انداز نسبتاً وسیع انحرافات اخلاقی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، دینی، فکری و ... را شامل می‌شود. مایه‌های ادب پایداری با این مفهوم، در اکثر آثار ادبی کلاسیک ایران و جهان حضور دارد و بیشتر شاعران، اشعاری با مضامین فوق از خود به یادگار نهاده‌اند (چهرقانی برچلوبی، ۱۳۸۳: ۲۸).

متعلق اعتراض در مفهوم خاص ادبیات پایداری، استبداد داخلی یا هجمه و تجاوز خارجی و عوارض و تبعات آن است. مقاومت و پایداری با این مفهوم به لحاظ نظری در ردیف معانی ده‌گانه شعر، نظیر «مدح»، «هجاء»، «مرثیه»، «غزل» و ... که قدما مطرح می‌کردند در شعر فارسی وجود نداشته است (شمیسا، ۱۳۹۴: ۳۶). در ادبیات عرب و یونان باستان نیز منتقدان و نظریه‌پردازان ادبیات، علی‌رغم حضور مصادیقی از این مفهوم در آن دوره‌ها نسبت به تعریف مقوله ادب پایداری و تبیین مختصات آن بی‌توجه بوده‌اند. سابقه مباحث نظری جدی در خصوص ادبیات مقاومت به جنگ جهانی دوم بر می‌گردد. پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و به‌ویژه فرانسه، متفکران و هنرمندان تحت تأثیر جنگ و نهضت مقاومت به این برداشت کلی رسیدند که باید در تحولات جامعه شرکت فعال داشته باشند. مروجان این عقیده از جمله سارتر و کامو^۱ قائل به نوعی التزام و تعهد در هنر بودند (سارتر، ۱۳۹۶: ۸۴).

امروز نیز علی‌رغم گذشت قریب چهار دهه از انقلاب اسلامی و سه دهه از پایان جنگ تحمیلی، با وجود اجماعی که در مفهوم ادبیات پایداری حاصل شده است در تعریف آن اختلاف و تشنّت زیادی به چشم می‌خورد. در واقع هریک از صاحب‌نظران براساس سلیقه و نوع نگاه خویش بر وجه از وجه این شاخه از ادبیات بیشتر تأکید می‌کند. صادق آئینه‌وند با تأکید بر جنبه سیاسی ادب پایداری می‌نویسد:

«در باب توسعه و شمول ادب مقاومت باید گفت ادب مقاومت از نوع ادب متعهد و سیاسی است و در تعریف ادب سیاسی گفته‌اند: شاعر و ادیب سیاسی بر مبنای تعهد و براساس درک رسالت

1. Sarter & Camu

و مسئولیت به تولید ادبی می‌پردازد و هیچ نظری به پاداش و تشویق‌های دنیوی ندارد» (آئینه‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴).

چالش‌های ادبیات پایداری در ایران

علی‌رغم پیشینه چندین هزارساله ادبیات مقاومت در ایران و گذشت ۳۵ سال از آغاز جنگ تحمیلی هنوز هم ادبیات پایداری در ایران با چالش‌های فراوانی رو به روست. اینکه علی‌رغم سرمایه‌گذاری نظام و صرف هزینه‌های بسیار از سوی نهادهای ذی‌ربط و بی‌ربط دولتی و خصوصی، برای ترویج و توسعه ادبیات دفاع مقدس، هنوز این شاخه از ادبیات ایران نتوانسته در داخل مخاطبانی جدی و پیگیر و در عرصه جهانی و بین‌المللی حیثیت و جایگاهی درخور شأن شهیدان و ایثارگران دفاع مقدس بیابد، معلول همین ضعف‌ها و چالش‌هاست. به هر روی، بازشناسی چالش‌های موجود و پیش روی ادبیات پایداری در ایران ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا در ادامه تعدادی از این آسیب‌ها و چالش‌ها را اجمالاً تشریح می‌کنیم.

۱. بحران مخاطب

علی‌رغم شمارگان بالای منشورات و مکتوبات مرتبط با ادبیات دفاع مقدس در مقایسه با سایر زمینه‌های ادبیات در ایران، این شاخه از ادبیات با بحران جدی مخاطب مواجه است به گونه‌ای که بسیاری از دانشجویان رشته ادبیات فارسی، حتی رمان‌ها و داستان‌های موفقی دفاع مقدس را که در جشنواره‌های گوناگون جوایزی کسب کرده، یا مورد اقتباس سینمایی قرار گرفته و یا به زبان‌های بیگانه ترجمه و در خارج از کشور منتشر شده‌اند، نمی‌شناسند. شاعران و نویسندگان طراز اول دفاع مقدس، امروز از شاعران و نویسندگان متوسط دهه سی و چهل گمنام‌تر و ناشناخته‌ترند. اگرچه بخشی از این معضل معلول بحران عمومی فرهنگ مطالعه در ایران است، اما با عنایت به عظمت و تأثیرگذاری جنگ در جامعه و اینکه قسمت اعظم بدنه اجتماعی ایران از طریق یادگارهای دفاع مقدس یا شهیدان و ایثارگران با این واقعه تاریخی مهم، دارای پیوند شخصی تنگاتنگ و طبعاً نسبت به آن حساس هستند، لاقلاً بحران مخاطب در این شاخه باید کمتر از بخش‌های دیگر باشد. به نظر می‌رسد که حلقه مخاطبان منشورات مرتبط با ادبیات دفاع مقدس تعداد ثابتی هستند که عمده آن‌ها نیز، خود از تولیدکنندگان این قبیل آثار به شمار می‌روند (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۱۹-۱۸).

۲. عدم رابطه اندام‌وار ادبیات پایداری با بدنه ادبیات کشور

طیف‌گرایی ایدئولوژیک و نگاه جناحی و سیاسی به مقوله هنر و ادبیات، در فضای سیاست‌زده

کشور که شکاف‌های موجود را روز به روز عمیق‌تر می‌کند، مانع ارتباط نویسندگان و شاعران دفاع مقدس با نویسندگان و شاعرانی که در فضاهای متفاوت‌تری دم می‌زنند، شده است. این نگاه غیرکارشناسانه که قلمرو واقع‌گرایی در ادبیات دفاع مقدس را به نفع مطلق‌انگاری و اسطوره‌سازی تحدید می‌کند، بسیاری از آثار قابل تأمل ادبیات جنگ را که حتی نویسندگان به اصطلاح خودی خلق کرده‌اند، خارج از دایره ادبیات دفاع مقدس می‌داند. به هر روی عدم تعامل سازنده میان هنرمندان دو طیف که گاه تا سطح تخریب یا دست کم توطئه سکوت هم می‌رسد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به عدم انتقال تجربه و تکنیک و خودداری از نقدهای سازنده راهگشا منجر می‌شود. سرایت تقدس دفاع مقدس به ساحت ادبیات دفاع مقدس، ناخودآگاه راه را بر هر نقدی می‌بندد و جسارت ورود به این حوزه را از منتقد سلب می‌کند. بریدن از جریان نقد علمی موجب درجا زدن نویسنده و شاعر دفاع مقدس و نهایتاً نامکشوف ماندن گنجینه ارزشمند و پایان‌ناپذیر دفاع مقدس می‌شود (همان: ۲۱-۲۰).

۳. ضعف مبانی نظری و فقدان نظریه‌پردازی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ادبیات پایداری ایران که مانع رشد ادبیات مقاومت در داخل و گسترش آن در عرصه جهانی بوده است، ضعف تئوریک و فقدان نظریه‌پردازی در این حوزه است. شاید بتوان ضعف تئوریک در عرصه ادبیات مقاومت و دفاع مقدس را معلول ضعف تئوریک انقلاب اسلامی در دیگر عرصه‌ها اعم از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... دانست. ضعفی که موجب سردرگمی عمومی در بزنگاه‌ها، موقعیت‌های جدید و امور مستحدثه می‌شود. اینکه مارکسیسم توانسته است برای حوزه فرهنگ و ادبیات خود نظریه‌ای آن‌چنان جامع ابداع نماید که پژوهشگران به شدت مسلمان هم آن را مبنای تحقیقات خود در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس قرار دهند، بیش از آنکه ناشی از اصل تأثیر تر بر روی آنتی تز باشد، نشأت گرفته از این نکته است که مارکسیسم برای سایر حوزه‌های حیات بشری- هرچند ناقص و غلط- تئوری، برنامه و طرح از پیش تعیین شده دارد (همان: ۲۲).

مؤلفه‌های ادبیات پایداری در دهه اول انقلاب اسلامی و دوران پس از دفاع مقدس

با عنایت به ماهیت دینی انقلاب اسلامی و به دنبال آن دفاع مقدس، مؤلفه اصلی این بخش از ادبیات پایداری ایران، ایمان مذهبی و اعتقاد دینی است که در رجعت به روستای فطرت با ارزش‌های عام انسانی پیوند می‌خورد. همان‌گونه که مجاهدان راه آزادی در مبارزه با طاغوت زمان و رزمندگان اسلام در نبرد با دشمن بعثی از آبشخور دین سیراب می‌شوند و انگیزه می‌گیرند؛ نویسندگان و

شاعران مقاومت نیز در روایت صادقانه این جانفشانی‌ها و فداکاری‌ها به ناگزیر از پشتوانه‌های فرهنگ اسلامی و شیعی مدد می‌جویند. با این حال، مؤلفه‌های ویژه ادبیات انقلاب اسلامی در این دو دوره، که بیشتر در آیینة شعر بازتاب یافته است، می‌توان به صورت کلی در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) پرداختن به مضامینی همچون ستایش آزادی و نفرت از طاغوت؛ ستایش پیشوا، امام و رهبر نهضت؛ ستایش مبارزان انقلابی و ظلم‌ستیز؛ دعوت به وحدت و پرهیز از تفرقه؛ محکوم کردن نظام استبدادی، عمال و کارگزاران آن؛ نکوهش ملاء و مترف و خوی اشرافیت؛ استکبار و استعمارستیزی، ستایش جهاد و شهادت و مجاهدان و شهیدان و ایثارگران. در این راستا طاهره صفارزاده در شعری با نام «شریعت و دریا» که به یاد «علی شریعتی» سروده است، از دوران شاهنشاهی پهلوی انتقاد می‌کند؛ دورانی که فضیلت‌ها در حال فراموشی است و ظلم، همه‌جا را فراگرفته و آن‌چنان خفقانی در جامعه وجود دارد که هیچ‌کس جرأت نمی‌کند، سخنی بگوید یا طغیانی از خود نشان دهد:

تو خط رابط دریا بودی / در انهدام جاهلیت صحرا / در انهدام خشکی دشت / دشت فلسزی
و ماشینی / دشتی که آفتاب و سایه نداشت / و در هوای دوزخی توطئه / جوانه‌ها / هنوز سرنزده /
می‌پژمردند / میانه‌سالان / اسیر برق سراب / و پیرها / دچار ذلت عادت بودند / و از هراس حمله
ماران / سکوت / زیور لب‌ها / اطاعت / زیور گردن‌ها بود (صفارزاده، ۱۳۶۰: ۶۲).

احمد عزیزی نیز در راستای آزادی‌خواهی فردی و اجتماعی از انقلاب اسلامی سخن می‌گوید و اعتقاد دارد که انقلاب ما برای احیای دین و رهایی از استبداد بوده است. فرهنگ شهادت را پشتوانه‌ی انقلاب می‌داند:

ما عروجی جاودانی کرده‌ایم / انقلابی آسمانی کرده‌ایم / انقلاب ما هبوط مذهب است /
انفجار نور در عصر شب است / ما عروج سرخ را آموختیم / چشم بر معراج آبی دوختیم
(عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۹)

شب نماد ظلم و ستم است؛ شاعر با اشاره به سخن امام خمینی که فرمودند: «انقلاب ما انفجار نور بود»، انقلاب اسلامی را یک پدیده‌ی معنوی و آسمانی پنداشته که در عصر استبداد شاهنشاهی پدید آمده است. عزیزی در این اشعار اعتقاد دارد که انقلاب اسلامی ما برای رسیدن به آگاهی و معرفت و رهایی از آلودگی‌ها بوده و درک و بصیرت افراد را افزایش داده است:

انقلاب ما ظهور نور بود / نعره‌ی دف ناله‌ی تنبور بود / انقلاب آیینه‌ها را پاک کرد / خلوت

ما را پر از ادراک کرد (همان:ص ۱۹)

عزیزی انقلاب اسلامی را سرشار از معنویت و بالندگی می‌داند که روح تازه‌ای به میهن داده و باعث رواج عدالت شده است:

انقلاب آمد زمین‌ها جان گرفت/کوچه‌ها مان را مه عرفان گرفت /انقلاب ما جهان را تازه کرد/ کشور ما را پر از آوازه کرد/ ما نجابت، ما اصالت خواستیم /ما چمن‌های عدالت خواستیم(همان:۲۰)

او در این اشعار بر تأثیر انقلاب بر مردم سراسر دنیا اشاره کرده که چون مبنای دینی، عدالت خواهی، استقلال و آزادی داشته توانسته است یک روح نشاط و شادابی در سراسر دنیا پدید آورد و مستضعفین را امیدوار و دل‌گرم نماید.

شاعر با کاربرد واژه‌هایی چون: شب، ابر و قبر از ظلم و ستم همیشگی پیرامون خویش در قبل از انقلاب سخن می‌گوید:

خانه‌ی ما روز و شب در ابر بود/دور تا دور ده ما قبر بود(عزیزی، ۱۳۶۷: ۳۶)

ب) بهره‌گیری از پشتوانه‌های فرهنگی اساطیری، حماسی، تاریخی، دینی و میهنی که در این میان تاریخ تشیع و شخصیت‌های صدر اسلام نظیر ابوذر، سلمان خصوصاً واقعه‌ عاشورا و شخصیت‌های عاشورایی، تاریخ ایران و شخصیت‌های انقلابی مانند میرزا کوچک‌خان جنگلی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ... به عنوان الگوهای مبارزه.

شاعران پس از انقلاب نیز از حال و هوای جبهه و جنگ سخن می‌گویند و به فضای معنوی که در بین رزمندگان بوده عشق می‌ورزند:

در جبهه همه با نگاه حرف می‌زنند/ همه عاشورایی حرف می‌زنند/ همه عاشورایی

می‌پوشند /همه عاشورایی آب می‌نوشند (عزیزی، ۱۳۷۵: ۲۶۸)

ج) توجه به شخصیت رهبر انقلاب، امام خمینی (ره) به عنوان نماد و قهرمان استقامت در برابر ظلم، طاغوت و استکبار و بهره‌گیری از اندیشه‌های متفکران صدر انقلاب خصوصاً دکتر علی شریعتی که بیشترین تأثیر را بر ذهن و زبان نسل اول شاعران و نویسندگان انقلاب اسلامی داشته و شاخص‌های منظومه فکری و ایدئولوژیک وی در قالب دوگانه‌هایی همچون: امت و امامت، حقیقت و مصلحت، تشیع سرخ و تشیع سیاه، استضعاف و استکبار و سه‌گانه‌هایی از قبیل استحمار و استعمار و استعمار، زور و زر و تزویر/تیغ و طلا و تسبیح و ... دست‌مایه مضمون‌سازی شاعران و

داستان‌پردازی نویسندگان قرار گرفته است. گذشته از آن، طیف وسیعی از شاعران انقلابی از احمد عزیزی، حمید سبزواری و موسوی گرمارودی تا نعمت میرزازاده در وصف امام (ره) و شریعتی سروده‌هایی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

عزیزی در مثنوی بلندی با عنوان «زهر را پیران کامل می‌خورند» که به مناسبت سالروز پایان یافتن جنگ سروده، امام را این گونه وصف کرده است:

رهبر ما از بهاران تاکنون / پیر ما از سرداران تاکنون / ناجی ما از سکندر تاکنون
 / اراعی ما از ابوذر تاکنون / یا خمینی تیغ تیز (لا) تویی / یا خمینی خرقة «ال» تویی / یا خمینی
 منکر تو منکر است / یا خمینی نفس تو اولی تراست / رهبر شمشیر و خون و هیبتی / رهبر دوران
 سخت غیبتی / در غدیر سرخ این صحرای سرخ / دیدمت در عرش رؤیاهای سرخ / جوریان
 باشتین روزگار / باتو گردیدند هر شب سردار (عزیزی، ماهنامه فرهنگی-تحلیلی سوره، ص ۷۹)

د) بازگشت تدریجی شعر مقاومت به قالب‌های سنتی که به نوعی تجلی شعار بنیادین انقلاب؛ یعنی «بازگشت به خویشتن» در ساحت ادبیات تلقی می‌شود. احیاء قالب غزل و ظهور حماسه در آن از نتایج این بازگشت به سنت است (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۶).

ه) مقابله با سلطه‌گری جهانی؛ یکی دیگر از مؤلفه‌های پایداری در برابر استعمار در شعر دهه اول پس از انقلاب، مقابله همه‌جانبه با سلطه‌گری استعمارگران جهانی است. ایستادگی در برابر زورگویی‌های قدرت‌های سلطه‌گر و دفاع از مظلومان و ستم‌دیدگان، در ابعاد جهانی، تشویق مخاطب به ایستادگی و مقاومت در برابر استعمارگران، مصادیق ظلم و حق‌کشی استعمارگران جهانی، ستایش نگرش مستقل و ظلم‌ستیز و توصیف بزرگی و عظمت روح کسانی که زیر بار این چرخه نابرابر نمی‌روند از جمله مفاهیمی است که در شعر دهه اول پس از انقلاب، برای مقابله با استعمار و استعمارگران جهانی، توسط شاعران به کرات استفاده شده است:

«شیطان در شیپور بزرگ دنیا / فریب را می‌نوازد / و فتنه را / شیطان، حنجره کوچک ما را /
 دشنه را پی در پی می‌نشانند / تا سرود مظلوم ما / خمار خواب رخوتناک جهان را نیاشوبد /
 شیطان، جهانیان را / در خمار خوابی رخوتناک / به بند کشیده است / تا شیطان‌زادگان / همچنان
 بر گرده جهان / حکمرانی کنند / قانون شیطان بر زمین حکم می‌راند / و در این میانه نون مظلومان /
 دریا دریا تاراج می‌شود / ... / شیطان، بیمناک بیداری ماست» (عبدالمکلیان، ۱۳۶۸: ۷۹).

خ) اعتراض بخردانه و هشدار به مخاطب جهت بازگشت به شرایط استعمارشدگی گذشته؛

یکی از مفاهیمی که در شعر پایداری دهه اول پس از انقلاب، در تقابل با مقوله استعمار، نمود آشکار دارد؛ هشدار شاعران پایداری نسبت به بازگشت شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران به دوره قبل از انقلاب اسلامی است. شاعران انقلاب در بسیاری از آثار خود ضمن توصیف شرایط ناگوار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حکومت پهلوی در خصوص بحث استعمار و سلطه، به مخاطبان خود، این هشدار را می‌دهند که اگر جامعه از نظر فکری و بینش اجتماعی آماده و آگاه نباشد؛ این امکان وجود دارد که مجدداً به سرنوشت و شرایط پیش از انقلاب دچار شود و استعمار نو مجدداً سلطه کامل خود را به ایران تحمیل کند:

«به پسرم دروغ نگوئید/ نگوئید من سفر رفته‌ام/ نگوئید من از سفر بازخواهم گشت/
 نگوئید زیباترین هدیه‌ها را برایش به ارمغان خواهم آورد/ به پسرم واقعیت را بگوئید/ بگوئید به
 خاطر آزادی تو/ هزار خمپاره استعمار سینه پدرت را نشانه رفته‌اند/.../ به پسرم دروغ نگوئید/
 بگذارید قلب کوچک پسرم/ ترک بردارد/ و نفرت همیشه‌ای/ از ظلم ظالمان جهان/ در آن ریشه
 بدواند/ به پسرم دروغ نگوئید/ نمی‌خواهم رویای دروغین/ چشمان پسرم را ببندد / و جهت
 آفتاب را از او بگیرد / تا ظالمان جهان/ باری را که به دوش پدرم کشانده بودند/ اینک بر شانه
 پسرم بشانند/ و زنجیری را که به پای پدرم بسته بودند/ اینک به پای پسرم بشانند» (عبدالملکیان،
 ۱۳۶۸:۴۱).

در مثال ذکر شده، عبدالملکیان با اشاره مستقیم به کلمه «استعمار» به‌طور آشکار به مقایسه شرایط قبل و اکنون جامعه از نظر تقابل بین مستقل بودن و سلطه‌پذیر بودن می‌پردازد و به این نکته اشاره دارد که تمام تلاش‌های برآمده از ارزش‌ها به این دلیل است که شرایط و سرنوشتی که پدران ما به آن دچار شده بودند، بر سر نسل آینده نیاید و زنجیر استعمار که از دست و پای ما باز شده است، دوباره با غفلت احتمالی ما بر دست و پای آیندگان این سرزمین بسته نشود (ضیایی، ۱۳۹۶:۱۱۲).

چ) بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی: مهم‌ترین اتفاقی که در دهه اول انقلاب اسلامی رخ داد، وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله بود. در طول تاریخ، همواره کسانی بوده‌اند که به هنگام جنگ، عافیت‌طلبی و بی‌تفاوتی پیشه می‌کرده‌اند. در طول مدت دفاع مقدس نیز عده‌ای با خزیدن در خانه‌ها و ویلاهای خود و با مشغول کردن خود به مسائل شخصی، از رفتن در بطن جنگ خودداری کردند. شاعران انقلاب، بی‌تفاوتی و عافیت‌طلبی را در سروده‌های خویش، به باد انتقاد می‌گیرند. اون این نوع سرودن و اعتراض و دل‌تنگی در سال‌های ۶۴ تا ۶۸ است و بعدها نیز به صورت ملایم و آرام، با شیبی نرم

ادامه می‌یابد (سنگری، ۱۳۸۵: ۱۰). سلمان هراتی، از جمله شاعرانی است که بر ثروتمندانی که از جنگ فرار کرده‌اند و به خاطر راحت‌طلبی، به گوشه‌های خزیده‌اند می‌تازد و آن‌ها را به سخره می‌گیرد:

وقتی جنوب را/ بمباران کردند/ تو در ویلای شمالی‌ات/ برای حل کدام جدول بغرنج/ از پنجره به دریا/ نگاه می‌کردی؟ (هراتی، ۱۳۶۴: ۵۳).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد ادبیات پایداری معانی ظلم و ستم، جنگ و مقاومت را در بر می‌گیرد. در ادوار مختلف تاریخ و در تمامی کشورهای جهان ادبیات پایداری هم به نثر و هم به شعر توسط شاعران و نویسندگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، به طوری که در عصر حاضر این اشعار و سروده‌ها به نسل‌های فعلی و آینده سرایت پیدا کرده است. در ایران نیز ادبیات پایداری یا مقاومت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از در بیش از ۴ دهه از انقلاب اسلامی این نوع از ادبیات نمود ویژه‌ای یافته است. هرچند در این مسیر چالش‌هایی همچون بحران مخاطب و ضعف مبانی نظری و... وجود داشته، اما بازهم ادبیات پایداری از مسیر اصلی خود خارج نشده است. در دهه‌های اول و دوم انقلاب مؤلفه‌هایی همانند ستایش آزادی و نفرت از طاغوت، ظلم‌ستیزی، مقابله با سلطه‌گری جهانی، اعتراض بخردانه و هشدار به مخاطب جهت بازگشت به شرایط استعمارشدگی گذشته و... وجود داشته که این ابعاد به صورت شعر و نثر درآمده است و هم‌اکنون از این ابعاد به عنوان مؤلفه‌های مهم ادبیات پایداری نام برده می‌شود. دهه اول انقلاب اسلامی، بیان‌کننده اشعار پایداری زنان و مردان در مقابله با ظلم‌ستیزی حکومت پهلوی و بیرون راندن آن از کشور است. بعد از دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با عراق وارد جنگ شده و این جنگ تحمیلی ۸ ساله بیان‌کننده مقاومت و پایداری مردم کشور ایران در این جنگ بوده و شاعران و نویسندگان بسیاری در این دهه تلاش‌های خود را در زمینه ادبیات پایداری بیشتر از قبل به عمل آوردند. این تلاش و ممارست در ادبیات پایداری منجر به این شده که بعد از ۴ دهه از پیروزی انقلاب اسلامی هم‌اکنون ادبیات پایداری از کلیدی‌ترین ابعاد ادبیات تلقی می‌شود. پس در نهایت می‌توان اذعان کرد که ادبیات پایداری در دهه اول انقلاب مربوط به ادبیات مقابله با حکومت پهلوی بوده و در دوران پس از دفاع مقدس انقلاب ادبیات پایداری چالش‌ها و مسائل جنگ تحمیلی را در بر دارد، که در هر دو دهه ادبیات پایداری پیشرفت‌های مناسبی را داشته است.

کتابنامه

۱. آدمیت، فریدون. (۱۳۵۷). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، پیام.
۲. آئینه‌وند، صادق. (۱۳۷۰). ادبیات مقاومت، کیهان فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۹، صص ۳۴-۳۵.
۳. بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۷). طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری، نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۴. جهانگرد، فرانک. (۱۳۹۵). تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران، نشریه ادبیات پایداری، سال هشتم، شماره چهاردهم، صص ۶۱-۷۷.
۵. چهارقانی، رضا. (۱۳۹۶). ادبیات پایداری در ایران بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، ادبیات پارسی معاصر، سال هفتم، شماره دوم، صص ۳۳-۱.
۶. چهارقانی برچلویی، رضا. (۱۳۸۳). تأملی در نسبت پایداری و ادبیات، مجله شعر، سال ۱۲، شماره ۳۵، صص ۲۹-۲۵.
۷. داوودی مقدم، فریده، اشرفی، فاطمه. (۱۳۹۶). مولفه‌های ادبیات پایداری در شعر شاعران نمادگرایی قبل از انقلاب با تأکید بر اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی و نیما یوشیج، دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
۸. رستگارفسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی، شیراز، نوید شیراز، چ دوم.
۹. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). ادبیات پایداری، فصلنامه شعر، شماره ۳۹، صص ۴۵-۵۳.
۱۰. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۵). غزل، فصلنامه شعر، شماره ۴۶، صص ۱۰-۶.
۱۱. سارتر، ژان پل. (۱۳۹۶). ادبیات چیست؟، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران، نیلوفر، چ نهم.
۱۲. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). انواع ادبی، تهران، میترا.
۱۳. صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۰). بیعت با بیداری، تهران، انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی، چ دوم.
۱۴. ضیایی، حسام. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل شعر دهه اول پس از انقلاب اسلامی براساس

- نظریهٔ پسااستعماگرایی، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲، صص ۹۸-۱۱۹.
۱۵. عبدالملکیان، محمدرضا (۱۳۶۸). ریشه در ابر: مجموعه شعر، تهران، برگ، چ دوم.
۱۶. عزیزی، احمد، ۱۳۶۷، کفش‌های مکاشفه، تهران، شقایق.
۱۷.، (۱۳۷۵)، نافله ناز، تهران، برگ.
۱۸.، (۱۳۸۲)، شب‌نم‌های شبانه، تهران، اب‌صالح.
۱۹.، (۱۳۷۸)، گزیده ادبیات معاصر، تهران: نیستان، چاپ اول.
۲۰. هراتی، سلمان (۱۳۶۴). از آسمان سبز، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.